



لبیی: ایتالیا از خواب بیدار شده است

۲۴



نستا احتمالاً نیست

۲۴



ایتالیا از ما می‌ترسد .....

۲۵



کلوزه ؛ فراتر از یک آقای گل ...

۲۶



## برش‌های تاریخی یک نبرد کلاسیک

# سه‌گانه آلمان ایتالیا

مهدی زعیم‌زاده

مگر می‌شود به استقبال بازی ایتالیا و آلمان رفت و از دیدار خاطره‌انگیز دو تیم در جام جهانی ۱۹۷۰ یاد نکرد. اتفاقاً آن مسابقه هم در مرحله نیمه‌نهایی رقابت‌ها برگزار شد و در نهایت با برتری ۴ بر ۳ لاجوردی‌ها به پایان رسید. دیداری تماشایی که از آن به عنوان هیجان‌انگیزترین بازی تاریخ جام جهانی یاد می‌شود. ۱۷ ژوئن ۱۹۷۰ در ورزشگاه آژتک مکزیک ۱۰۲۴۴۴ نفر شاهد این دیدار کاملاً اروپایی بودند. ایتالیا که ستارگانی چون بوئین سنی‌یا، ریوا، ماتزولا، فاکتی و ریورا را داشت با عبور از مکزیک میزبان، خود را به نیمه‌نهایی رسانده بود. این تیم در مرحله اول در گروهی که اروگوئه، سوئد و اسرائیل حضور داشتند با ۴ امتیاز اول شد و به یک چهارم صعود کرد.

در آن سال‌ها که جام جهانی با حضور ۱۶ تیم برگزار می‌شد خبری از یک هشتم‌نهایی نبود و بدین ترتیب ایتالیا پس از شکست دادن ۴ بر یک میزبان جام جهانی به نیمه‌نهایی رسید. در آن سو آلمانی قرار داشت که در جام جهانی گذشته فینالیست شده بود و قصد داشت دوباره به این مهم برسد. آلمان در مرحله گروهی هر سه بازی خود را برد و با غلبه بر پرو، بلغارستان و مراکش با ۶ امتیاز روانه یک چهارم‌نهایی شد (در آن موقع برد ۲ امتیاز داشت). دیدار این دو تیم یادآور فینال ویمبلی در جام جهانی ۱۹۶۶ بود. آلمان آمده بود که انتقام بگیرد اما گل از حریف خود عقب افتاد. در ادامه، نمایش مقتدرانه بکن باوئر و یارانش باعث شد که کار به تساوی بکشد و در نهایت

آلمان در وقت اضافی پیروز شد و از نیمه‌نهایی سردرآورد. آلمان با این برد به یک مدعی درجه یک تبدیل شد.

برزیل و اروگوئه نیز برگزارکننده دیگر دیدار این مرحله بودند. جدال ایتالیا و آلمان با یک گل زودهنگام برای ایتالیا شروع شد. ایتالیا بازی را هجومی آغاز کرد و روبرتو بوئین‌سنی‌یا در همان دقیقه ۸ لاجوردی‌ها را پیش انداخت و این برتری تا دقیقه ۹۰ ادامه داشت. اما ژرمن‌ها در آن دوران استاد بازگشت به مسابقه بودند و بکن باوئر، اووه‌رات، مولر و زیلر بازی را در دست گرفتند. این بار نوبت کارل هاینس اشتلینگر دفاع چپ آلمان‌ها بود تا اجازه ندهد آلمان در ۹۰ دقیقه بازنده شود. خاطره مهمی که از آن بازی به یاد ماندنی باقی مانده مصدومیت شدید بکن باوئر در آن بازی است. فرانتس ۲۳ساله در تیم آلمان آقایی می‌کرد و فرمانده تیم بود، البته در کنار او بازیکنان بزرگ دیگری چون سب‌مایر، برتی فوگتس، اووه زیلر، اووه رات و گورد مولر هم حضور داشتند اما قیصر چیز دیگری بود. کتف بکن باوئر بر اثر خطای بازیکنان حریف از جا در رفت و او به خاطر تیم یادآور فینال ویمبلی در جام جهانی ۱۹۶۶ بود. آلمان آمده بود که انتقام بگیرد اما گل از حریف خود عقب افتاد. در ادامه، نمایش مقتدرانه بکن باوئر و یارانش باعث شد که کار به تساوی بکشد و در نهایت

کند. به همین دلیل قیصر به بازی ادامه داد و به یکی از یادگارهای جام جهانی ۱۹۷۰ تبدیل شد.

و چندین مرتبه جای برنده و بازنده، عوض شد. بی دلیل نیست که از این بازی حساس به عنوان هیجان‌انگیزترین مسابقه جام جهانی یاد می‌کنند. ابتدا در دقیقه ۹۴ گرد مولر برای اولین بار در طول مسابقه آلمان را از ایتالیا پیش انداخت اما برتری قیصر و یارانش تنها ۴ دقیقه طول کشید. تارجیزو بورگینش گل تساوی بخش ایتالیا را به ثمر رساند و در ادامه کار برای آلمان‌ها بدتر هم شد. جی‌جی ریوا ایتالیا را ۳ بر ۲ پیش انداخت. در آن رقابت‌ها گرد مولر یک گلزن مهار نشدنی بود. در وقت اضافی فروجو والکاره‌جی یک مدافع به نام فابریسیو پولتی را به زمین آورد تا مراقبت ویژه‌ای از مولر داشته باشد اما مهار مولر کار آسانی نبود و در دقیقه ۱۱۰ مولر گل تساوی بخش آلمان را به ثمر رساند و بازی ۳بر ۳ شد. جالب اینکه یک دقیقه بعد نوبت به ایتالیا رسید تا در این بازی زبیا گل بزند. جیانی ریورا کار تمام کرد و بازی با برتری ۴ بر ۳ ایتالیا به پایان رسید. در مورد بازی کردن ریورا هم داستان‌های جالبی وجود دارد. در آن موقع بحث این بود که ماتزولا بازی کند یا ریورا؟ والکاره‌جی راه‌حل جالبی پیدا کرد. یک نیمه سیبیلو (لقب ماتزولا) بازی کرد و از نیمه دوم ریورا به میدان آمد. ۳۶ سال است که از این تعویض به نیکی یاد می‌شود. به هرترتیب ایتالیا از سد آلمان سخکوش عبور کرد اما در فینال اسپر برزیل و پله افسانه‌ای شد.

■ **جدال برای جام سوم**

دیگر دیدار کلاسیک و خاطره‌انگیز ایتالیا و آلمان به فینال جام جهانی ۱۹۸۲ برمی‌گردد. آلمان در حالی خود را به فینال رسانده بود که یکی از تیم‌های منفور جام محسوب می‌شد. در مرحله گروهی در حالی که در دیدار ابتدایی خود به الجزایر باخت، در ادامه با دو پیروزی مقابل شیلی و اتریش به مرحله دوم صعود کرد. در آن جام مرحله دوم مسابقات به صورت گروهی برگزار می‌شد. آلمان میزبان مسابقات را شکست داد و به نیمه‌نهایی صعود کرد. حذف میزبان کافی بود که آلمان در اسپانیا به تیمی منفور تبدیل شود. به ویژه اینکه در بازی نیمه‌نهایی برابر فرانسه آنها چندان مستحق برد نبودند و تا اواخر مسابقه نتیجه سه بر یک به سود فرانسه بود، اما آلمان به شکل عجیبی کار را به تساوی کشاند و در نهایت ۴ بر ۳ پیروز شد و به فینال رسید. اگر حرکت خشن تونی شوماخر را در بازی نیمه‌نهایی به خاطر داشته



باشید متوجه می‌شوید چرا در فینال جو ورزشگاه کاملاً به سود ایتالیا بود.

ایتالیا در مرحله گروهی بسیار ضعیف ظاهر شد و پس از لهستان در گروه خود دوم شد. اما در مرحله دوم به لطف گلزنی‌های پائولو روسی زیرک، نتایج خوبی گرفت و با پیروزی برابر آرژانتین و برزیل، دو غول آمریکای جنوبی، روانه نیمه‌نهایی شد. مثل همین دوره تمام چهار تیم نیمه‌نهایی اروپایی بودند. ایتالیا با دو گل لهستان را شکست داد و به راحتی خود را به فینال رساند، اما رقیب‌اش آلمان کاملاً کم‌رَمق بود. گویا بازی ۱۲۰ دقیقه‌ای آلمان و فرانسه تمامی توان ژرمن‌ها را از بین برده بود و این تیم توان مقابله با ایتالیا را نداشت. هر دو تیم به دنبال این بودند که برای سومین بار جام را بالای سر ببرند و ۹۰هزار نفر در ورزشگاه سانتیاگو برنابئو جمع شدند و در این مسابقه حساس را ببینند. خیلی‌ها معتقد بودند که برزیل با مربیگری تله‌سانتانا بهترین تیم جام بوده اما فینال بین ایتالیا و آلمان برگزار می‌شد و تیم دوم که در طول رقابت‌ها هم آتش دهان‌سوزی نبود در فینال نتوانست سد راه ایتالیا شود. بازی با برتری ایتالیا آغاز شد و آنتونیو کابرینی در همان نیمه نخست یک پنالتی را هدر داد. در آن بازی جان کارلو آنتونیونی هافبک نامدار ایتالیا به علت دواخطراه بودن غایب بود اما ایتالیا به اندازه کافی ستاره داشت؛ دینزروف،



برگومی، تاردلی، کونتی و روسی شاخص‌ترین آنها بودند. گل اول را در دقیقه ۵۷ پائولو روسی با یک ضربه سر به ثمر رساند. این ششمین گل روسی در اسپانیا بود و او به عنوان آقای گلی رقابت‌ها رسید. چند دقیقه بعد نوبت به مارکو تاردلی رسید تا آن گل معروفش را به ثمر برساند. پس از چندین پاس در محوطه جریمه آلمان توپ به تاردلی رسید و او گل زد و آن شادی پس از گل معروفش را انجام داد. حتماً قبول دارید که همه تاردلی را با آن شادی‌اش می‌شناسند. در ادامه آنتولی‌کی که به عنوان بازیکن ذخیره وارد زمین شده بود روی پاس برنو کونتی نتیجه را ۳ بر صفر کرد؛ یک نتیجه تحقیرآمیز برای ژرمن‌ها تا دقیقه ۸۱.

اما این پایان کار نبود. آلمان توسط پل براینتر یکی از گل‌ها را جبران کرد اما برایش فایده‌ای نداشت و ایتالیا انزو پیرزوت قهرمان جهان شد. در آن تیم آلمان که هدایت آن بر عهده یوپ دروال بود چهره‌های نامداری چون شوماخر، بریگل، براینتر، لبت بارسکی، رومینگیه، کالتز و اشتلیکه بازی می‌کردند. در آن سال که کمتر پیش می‌آمد که آلمان به فینال نرسد آنها در ۹۰ و ۸۶ هم با مربیگری بکن باوئر فینالیست شدند. در این سال‌ها هیچ‌گاه هیجان ایتالیا و آلمان به اندازه آن دو بازی سال‌های ۱۹۷۰ و ۱۹۸۲ نبوده. آیا امروز سه‌گانه‌ای تشکیل می‌شود؟

نکته

### تلاش ایتالیایی‌ها برای محروم کردن فرینگز مش‌دردسرساز



در آستانه دیدار آلمان و ایتالیا در مرحله نیمه‌نهایی، ایتالیایی‌ها تلاش گسترده‌ای به کار بستند تا اوضاع روبه‌راه روحی آلمان را به هم بریزند. پخش تصویر چند ثانیه‌ای از پایان بازی آلمان و آرژانتین بهانه مناسبی دست مطبوعات ایتالیا داده تا شاید یکی از بازیکنان اصلی آلمان با فشار آنها بر فیفا از بازی دور بماند. شبکه ایتالیایی اسکای (SKY) ایتالیا یکشنبه‌شب و روز دوشنبه چندین بار تصویر ۴ثانیه‌ای از پایان جنجال‌برانگیز بازی آلمان و آرژانتین را پخش کرد و روی صحنه‌ای زوم کرد که در شلوغی درگیری آرژانتینی‌ها با اولیور بیرهوف مش‌تورستن فرینگز به سمت خولیو کروز پرتاب شد. فشار رسانه‌های ایتالیا به فیفا باعث شد که تصاویر تلویزیونی مجدد بررسی شود و در صورت حکم فیفا محرومیت فرینگز از دل کمیته انضباطی فیفا بیرون بیاید. دیروز فدراسیون فوتبال آلمان موضع‌گیری شفاف‌ی درباره حرکت ایتالیایی‌ها و مقصد دانستن فرینگز نداشت. اما می‌شد از حرف‌های سخنگوی فدراسیون آقای اولی فویگت نظر رسمی آلمانی‌ها را دریافت کرد: «تصویر تلویزیونی را دیدم. به نظر من به هیچ‌وجه تورستن فرینگز به صورت کروز مش‌تزه. »

آلمانی‌ها تا ساعت ۱۳ دیروز فرصت داشتند که اظهار نظر رسمی‌شان را بیان کنند اما ایتالیایی‌ها از تمام لحظات یکشنبه‌شب و دیروز برای جوسازی استفاده کردند. دیروز روزنامه لارپوبلیکا در مطلبی از فیفا خواسته بود که مانع بازی فرینگز شود و از سوی دیگر بیلد روزنامه پرتیراژ آلمانی‌ها هم نوشته بود که اصرار بیش از حد ایتالیایی‌ها برای محروم کردن فرینگز به این دلیل است که آنها از آلمان، فرینگز و لمن می‌ترسند. با این حال فیفا نهایتاً تحقیقات را به جریان انداخت. آنها در پایان بازی آلمان و آرژانتین بررسی صحنه‌های درگیری را متوقف کرده بودند اما مدیر ارتباطات فیفا گفته است که کمیته انضباطی تصمیم گرفته که فرینگز را در قفسه درگیری دخیل بداند. مارکوس زیکلر البته رای لوپوس میشل داور آن بازی فراموش نشدنی را هم مهم می‌داند. او می‌گوید: «اگر لوپوس میشل صحنه را دقیق دیده باشد بعید است که مجازاتی در کار باشد. در تصاویر شبکه اسکای لحظه‌ای هست که دست‌چپ فرینگز به سمت کروز پرتاب می‌شود، اما فرینگز می‌گوید: «من درست در طغن درگیری قرار داشتم و حتی دو ضربه هم به بدن من اصابت کرد. اما من دست‌هایم را برای محافظت از خودم باز کرده بودم و اصلاً به قصد ضربه زدن کاری نکردم.»خولیو کروز هم به حمایت از فرینگز برخاسته و به گاتزتا دلواسپرت گفته است که بازیکن آلمانی هرگز به او مش‌تزه‌داست. حال باید دید این اظهارات کمکی به حل مسئله می‌کند یا نه؟ آنچه مسلم است در مورد بیرهوف هیچ مجازاتی در کار نیست اما داستان بازی کردن فرینگز کمی پیچیده شده است.

طلسم ورزشگاه وستفالن همچنان وجود دارد.

آلمانی‌ها این جاده را به خوبی می‌شناسند و برای رسیدن به فینال به آن امیدوار هستند. ورزشگاه دورتموند در حقیقت، «تئاتر رویاهای» فوتبال آلمان و ملت آن است: یازده بازی و فقط یک مساوی. دیگر بازی‌ها در آن به پیروزی ختم شده است. کریستف متزلدر می‌گوید: این شانس ما است و در برابر ایتالیا زیباترین بازی را انجام خواهیم داد ولی طرفداران ما در دورتموند انگیزه بزرگ را در ما به وجود می‌آورند. ورزشگاه کاملاً آلمانی است و خوشحالم جایی می‌رویم که مردم با فوتبال زندگی می‌کنند و عشق آنها است. همین شانس بزرگ ما محسوب می‌شود. » نیمه‌نهایی در وستفالن. این بار ایتالیا– آلمان. هرچند ایتالیایی‌ها به سابقه گذشته درخشان خود فکر می‌کنند و آن را نقطه برتری خود می‌دانند ولی آلمانی‌ها هم از طلسم خود حرف می‌زنند و دوست ندارند که این طلسم در حساس‌ترین شرایط بشکند و رویاهایشان خراب شود. وقتی کلینزمن و یواخیم لو وارد ورزشگاه می‌شوند تا شرایط زمین و ورزشگاه را بررسی کنند با خوشحالی در آن قدم می‌زنند. یواخیم لو می‌گوید: «ما از دو روز قبل قهرمان لقب گرفته‌ایم و حالا باید قهرمان اروپا هم بشویم. همه چیز در دورتموند به نفع ما است و باید از این فرصت استفاده کنیم. » آنها از نقطه برتری خود مقابل آرژانتین شروع می‌کنند تا اینکه به دورتموند برسند و حتی آن شکست سخت و افتضاح در فلورانس را فراموش می‌کنند.

لو می‌گوید: «آن بازی اصلاً وجود ندارد. حتی یک ثانیه هم به آن فکر نمی‌کنیم و نباید هم اینچنین مسائلی را وارد تیم بکنیم. » آلمان با چنین روحیه‌ای خود را آماده می‌کند و از قدرت ایتالیایی‌ها نمی‌ترسد. آنها مثل جنگجویهای قدیمی زندگی می‌کنند و فضای رختکن آنها شباهت بسیار زیادی به نظامیان دارد. تیم بروفسکی می‌گوید: «ما روی یک هدف تمرکز کرده‌ایم و احساس می‌کنیم که به این هدف نزدیک شده‌ایم. حالا وقت آن نیست که متوقف شویم. آنها از نظر تاکتیکی شرایط خوبی دارند هر چند شروع خوبی نداشتند اما توانستند در ثانیه آخر مشکلاتشان را حل کنند. بله ما در گذشته با آنها مشکل داشتیم اما این بار فکر می‌کنیم که با تفکر درست آنها را شکست بدهیم.» اگر قرار باشد جملات بازیکنان آلمانی را کنار هم ردیف کنیم، همه از شرایط روحی بزرگشان حرف می‌زنند و طلسم وستفالن را از یاد نمی‌برند. همه چیز به نفع آنها است و در خانه خود بازی می‌کنند و حتی یوشکا فیشر اظهار می‌کند: «فوتبال مثل یک نبرد است.» و آلمان‌ها نمی‌خواهند در این جنگ بازنده باشند. شاید آنها یکی به برنامه‌های جام جهانی را یک سال قبل ترتیب دادند، به این موضوع فکر نمی‌کردند که وستفالن همانند یک طلسم و خوش‌شانسی به کمک آلمان و میزبان بیاید، اما امروز که به این شرایط نزدیک شده‌اند، بلدشان نمی‌آید که این موضوع را بزرگتر از آن جلوه دهند و از آن برای بالا بردن روحیه تیم استفاده کنند. آلمانی‌ها طی چند روز اخیر با جملات تند و حتی غیرمنصفانه به ایتالیایی‌ها حمله کردند که حتی اعتراض دولت‌مردان ایتالیایی را هم به همراه داشت. اما وقتی از فوتبال صحبت می‌شود آنها از وستفالن حرف می‌زنند؛ تئاتر رویاهای آلمان که می‌تواند رویاهای آنها را برآورد کند.

دقیقه صف

## داشته‌ها و نداشته‌های ایران برای پیروزی

نادر داوودی ، برلین : با پایان یافتن کار ایران در جام جهانی ۲۰۰۶، یک بار دیگر بحث و مجادلات پیرامون دلایل ناکامی آغاز شده است. این بحث‌ها معمولاً در یک بستر کلی مطرح می‌شود و نتایجی مشابه دارد. بهتر است برای شناخت علل شکست در میدان‌های بزرگ به شناخت وضعیت خود و مقایسه آن با وضعیت مطلوب آلمان بپردازیم، تا اندازه و موقعیت خود در فوتبال جهان را بشناسیم. فوتبال ملی هر کشوری بر پایه فوتبال باشگاهی استوار شده است. فدراسیون‌های فوتبال در سراسر جهان تحت نظارت فیفا و با برنامه‌های عالی‌های این فدراسیون جهانی دیکته می‌کند، موظف هستند تا به رشد و ارتقای فوتبال ملی خود کمک کنند. این وضعیت به سود فیفا و بالمآل به سود خود کشورهاست. برگزاری لیگ حرفه‌ای و جذاب موجب رونق فوتبال ملی نیز می‌شود. بیشترین تعداد بازیکنان ایرانی شاغل در خارج از کشور در آلمان بازی کرده‌اند. رضا عادل‌خانی، حمید علیدوستی، رضا احدی، علی دایی، کریم باقری، خداداد عزیزی، مهدی مهدوی کیا، فریدون زندی، سیروس دین‌محمدی، داریوش یزدانی، محرم نویدکیا و تعدادی دیگر از بازیکنان ایرانی، گروه کثیری را تشکیل می‌دهند که از ۳۵ سال پیش تا امروز شانس کسب مهارت حرفه‌ای در آلمان را به دست آورده‌اند. لیگ حرفه‌ای باید از توان مالی و پولی بالای بهره‌مند باشد تا بتواند علاوه بر دادوستد بازیکنان ارزشمند، به تبادل مربیان بزرگ نیز کمک کند. این اتفاق در فوتبال ایران نخواهد افتاد مگر آن‌که زیرساخت اقتصادی کشور که وابسته به قدرت مالی دولت است، جای خود را با بزرگ شدن بخش خصوصی و مالکیت شخصی عوض کند. یعنی به جای کنترل دولت بر لیگ از طریق سازمان ورزش و مالکیت بنگاه‌های خصوصی اقتصادی وارد کار شود. اینگونه بنگاه‌ها هرگز وارد چنین عرصه‌ای نخواهند شد، مگر از ساز و کار مالی و پولی آن آگاه و مطمئن باشند. بوندس لیگا در هر فصل ۳۰۶ بازی برگزار می‌کند که مجموع آن ۲۷۵۲۰ دقیقه می‌شود. بازی‌ها در اواخر تابستان برگزار می‌شود، تا اواخر زمستان ادامه پیدا می‌کند و در اوایل بهار به پایان می‌رسد. میانگین تماشاگران هر بازی در این لیگ ۳۸۱۹۱ نفر است. این رقم در انگلستان ۳۳۸۸۷ و در اسپانیا ۲۹۵۹۸ است. در یک فصل کامل بوندس لیگا، ۱۱/۷ میلیون نفر در ورزشگاه‌ها از بازی‌ها دیدن می‌کنند. رقم دقیق تماشاگران هر بازی در همان روز از طریق تابلوی تماشاگران به اطلاع همگان می‌رسد. حتی بازی‌های دسته دوم نیز آمار و اعداد دقیق خود را دارد. به این ترتیب امکان اندازه‌گیری دقیق درآمد بلیت فروشی، اقتصاد حریف بازی، سقف رفو به رشد، فروش امتیاز تلویزیونی و وسعت بازار وجود دارد. براساس همین ارقام می‌توان روی موفقیت برگزاری جام جهانی نیز حساب کرد. در ایران لیگ حرفه‌ای دچار فراز و نشیب‌های ناشی از انقلاب و جنگ شده و لیگ جدید از عمر ۵ ساله برخوردار است. مالکیت اکثریت قریب به اتفاق باشگاه‌ها با بنگاه‌های دولتی است و از جمله به باشگاه اصلی کشور – استقلال و پرسپولیس– در مالکیت دولت هستند. تقویم لیگ به دلیل تعطیلات ناشی از ماه رمضان، محرم، نوروز و بسیاری از تعطیلات ناخواسته و پیش‌بینی نشده، دچار وقفه و بی‌نظمی می‌شود. در هر لیگ ۲۴۰ بازی برگزار می‌شود، به‌رغم این‌که بلیت‌های کلیه بازی‌ها در اکثر ورزشگاه‌ها به ویژه در شهرستان‌ها به فروش می‌رسد، رقم دقیق بلیت‌فروشی اعلام نمی‌شود. معمولاً وقتی صحبت از رقم تماشاگران می‌شود، به حضور یکصد هزار نفر در بازی استقلال و پرسپولیس اشاره می‌شود، بی‌آنکه از تاثیر آن بر اقتصاد لیگ آگاه باشیم. میان سازمان لیگ و تلویزیون دولتی ایران تعاملی در مورد درآمدهای بخش بازی‌ها و آگهی‌ها وجود ندارد. در عین حال اقتصاد حاشیه لیگ نیز با وجود ندارد و یا پنهان است. بازیکنان خارجی ایران اهل کشورهای تازه استقلال یافته شوروی سابق هستند که آنها نیز از میان بهترین‌های کشور خود انتخاب نمی‌شوند، چون دستمزد کافی برایشان وجود ندارد. این وضعیت در مورد مربیان خارجی و از جمله مربیان تیم ملی نیز صدق می‌کند. ارقام مربوط به قرارداد با بازیکنان و مربیان هرگز رسماً اعلام نمی‌شود تا هیچ‌کس از این ناحیه منضرر نشود. در مورد اقتصاد حاشیه‌ای فوتبال در ایران، محدودیت‌های فزاینده وجود دارد. این محدودیت‌ها از برنام‌های مربوط به سرگرمی تماشاگران در ورزشگاه آغاز می‌شود و تا امروز مربوط به نشریات ادامه پیدا می‌کند. این مقالات از جنس مسائل فرهنگی هستند و باید تحت نظارت سازمان‌های دولتی و تبلیغاتی برگزار شوند. شمارگان (تیراژ) مجموعه روزنامه‌ها در آلمان بیش از ۳۰ میلیون در روز می‌رسد و هیچ روزنامه‌ای وجود ندارد که بخش مهمی را به ورزش اختصاص ندهد. هر روزنامه مهمی در آلمان یک بخش بزرگ ورزشی دارد که ضمیمه ورزشی آن به اندازه یک روزنامه مستقل اهمیت دارد. این روزنامه‌ها در انتشار مطالب و سردبیری مستقل هستند و بازتاب اقتصاد بازار به معنای آگهی و مخاطب هستند. در ایران بیش از ۱۵ روزنامه ورزشی منتشر می‌شود و هیچ‌کس حتی دولت از تیراژ دقیق آنها مطلع نیست، چون رقم غیرواقعی بر درآمد واقعی آنها تاثیر مستقیم دارد. معمولاً یک نفر برای چند نشریه کار می‌کند و اخبار و گزارش‌های آنها تکراری است. گرچه ورزش از حوزه‌هایی است که چه قبل و چه بعد از انقلاب برای انتقادهای شدید باز نگاه داشته شده، ولی از آنجا که نشریات تحت نظارت دولت هستند و ریاست سازمان ورزش و فدراسیون خود را منصوب حکومت می‌دانند، علاقه ندارند تا مورد انتقاد نشریات مطبوعات قرار گیرند.

ادامه در صفحه ۲۶